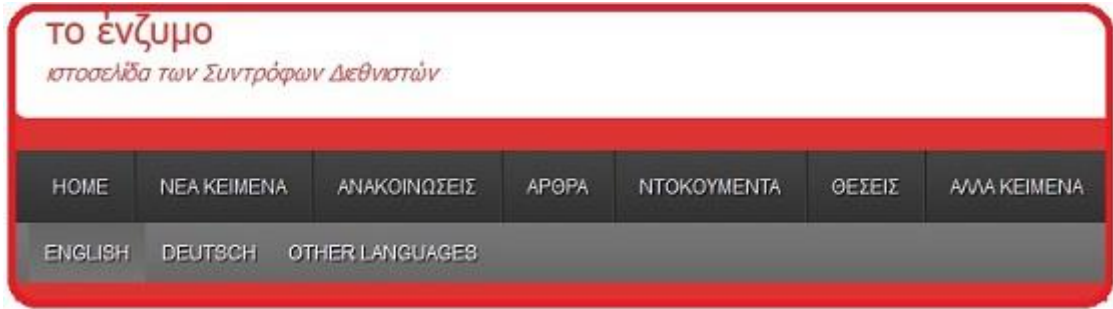


مقدمه ای بر ترجمه فارسی

معضل واقعی نه "پارلمانتریزم یا فاشیسم"

بلکه "سوسیالیسم یا بربریت" است



Internationalist Voice

Homepage: www.internationalist.tk

E-mail: internationalist.voice@gmail.com

سرمایه بنا به شرایط زمانی و تاریخی و در راستای نیاز خود مجبور است تا اشکال متفاوتی از روبنای سیاسی بخود بگیرد، همانند ایدئولوژی نازیستی در آلمان نازی، سوسیال دموکراسی در اروپای غربی، استالینیزم در بلوک شرق، مائوئیسم در چین، اسلام در ایران و غیره. اما وجه مشترک همگی اینها که روبنای سیاسی متفاوتی دارند، این است که سرمایه، دموکراسی، نازیسم، خدا و غیره نمی شناسد بلکه فقط انباشت سرمایه می شناسد، چرا که همچون ارگانیزم زنده اگر خون تازه وارد چرخه حیات آن نشود می میرد. بورژوازی آلمان در دهه ۱۹۳۰ میلادی و در پاسخ به چنین شرایط مرگباری بود که بدیل خود هیتلر را به عنوان ناجی ارائه داد و او نیز به تاریخ ۲۳ ماه ۱۹۳۹ اعلام کرد: "بدون توسل به جنگ نمی توان بر دشواریهای اقتصادی غلبه کرد".

اگر در کشوری چون ایران گروهائی چون «لباس شخصی ها»، «انصار حزب الله» و غیره نقش بازوی غیر رسمی سرکوب را ایفا می کنند. در کشورهای پارلمنتاریستی غربی این گروهها عناوینی چون «دمکراتهای وطن پرست»، «نئو نازیست»، «فاشیست» و غیره بخود می گیرند. همانطور که بدون وجود نظام کثیف جمهوری اسلامی گروهائی «لباس شخصی»، «انصار حزب الله» و غیره نمی توانند وجود داشته باشند، بدون وجود دموکراسی بورژوائی (توحش سرمایه داری) گروهائی «نئو نازیست» نیز نمی توانند وجود داشته باشند.

گرایشات متفاوت سرمایه، بخصوص چپ دستگاه سیاسی آن سعی می کنند با تنزل سیاسی نازیست ها، فاشیست ها و غیره و تقلیل آنان به دستجات جنایتکار، هویت تروریسم سیاسی را از آنها گرفته و جنایت آنان را تا حد جنایات دستجات جنایتکار تقلیل دهند. سپس به عنوان دستجات جنایتکار خواستار غیر قانونی اعلام کردن چنین گروه هائی می شوند. نمونه های وطنی آن دستجات گوناگون «کمونیسم کارگری» در کشورهای اروپای غربی هستند که در راستای دفاع از نهادهای دموکراتیک سرمایه خواهان غیر قانونی کردن جریانات نئو نازیست به عنوان دستجات جنایتکار هستند.

چپ دستگاه سیاسی سرمایه عوام فریبی می کند که جنایات سیاسی شکل بخصوصی از بربریت سرمایه نیست و از نهادهای دموکراتیک سرمایه خواهان غیر قانونی اعلام کردن «دستجات جنایتکار» می شود. به عبارت بهتر به قانون سرمایه اعتبار و حقانیت بیشتری میدهند. سعی می کنند کتمان کنند که تروریسم سیاسی پاسخ سرمایه به بحران و رقابت گانگستری سرمایه نیست. از دمکراتهای گانگستر گرفته تا بربرهائی چون بورژوازی ایران و عربستان سعودی چنین گروهائی را در راستای منافع خود تغذیه و حمایت می کنند.

اینکه به دلیل پائین بودن سطح مبارزه طبقاتی در سطح جهانی از سوئی و بحران عمیق سرمایه داری از سوی دیگر، اقلاری از طبقه کارگر در نتیجه تبلیغات نژاد پرستانه، ناسیونالیستی و یا دیگر اشکال ایدئولوژیک سرمایه جذب چنین ایدئولوژیهای می شوند، بیانگر نقش "دولت سرمایه" در شکل گیری و تغذیه چنین گروههائی است. اگر چه هر موقع نیاز دولت سرمایه ایجاب کند، دولت نقش نگهبان دموکراسی را نیز ایفا می کند.

اما انترناسیونالیستها هیچ توهمی به گرایشات راست و چپ سرمایه ندارند و در جریان جنگ امپریالیستی، جنگ جهانی دوم تنها گرایشی بودند که به مواضع پرولتری وفادار ماند و هر دو سوی جنگ امپریالیستی را محکوم کردند. انترناسیونالیستها از مواضع پرولتری اعلام کرده اند برای مبارزه بر علیه اشکال خشن سرمایه باید منشا آن یعنی سرمایه داری را به زیر کشید. اخیراً و در پی قتل «پائولوس فیسس» (Pavlos Fyssas) به دست آدمکشان نئونازیست «طلوع طلایی» در یونان و دستگیری رهبر این حزب، انترناسیونالیست های یونان بیانیه ای را منتشر کردند.

رفقای انترناسیونالیست یونان از موضع انترناسیونالیستی تأکید کردند، تنها ضد فاشیست بودن یعنی افتادن در دام "دمکراسی" دولت سرمایه داری، بلکه باید ضد سرمایه داری بود. بدستی تأکید کرده اند که هر گونه دفاع و حمایت از نهادهای دمکراتیک سرمایه، جنگی بر علیه طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی است. ترجمه فارسی بیانیه رفقا در راستای گسترش بیشتر مواضع انترناسیونالیستی تقدیم خوانندگان فارسی زبان قرار می گیرد.

صدای انترناسیونالیستی